

تأثیر نفاق و منافقین بر موضع‌گیری صحابه نسبت به غدیر خم

* محمدعلی برادران

** محمود مهدوی دامغانی

*** اردشیر اسدبیگی

**** علیرضا روحی

چکیده

با توجه به آموزه‌های جدیدی که اسلام با خود به ارمغان آورد، از نظر دینی به تقسیم‌بندی اجتماعی پرداخت که در دو دوره مکی (مسلمان، کافر و مشرک) و مدنی (کافر، مشرک، منافق، مسلمان و مؤمن) خود را نشان داد. هجرت پیامبر ﷺ به مدینه سرآغاز عصر جدیدی در تاریخ اسلام شد که به تأسیس دولت - شهر نوپای مدینه انجامید و به همراه آن مسئله جانشینی آن حضرت نیز از دغدغه‌های این نظام سیاسی جدید بود تا جایی که، جانشینی آن حضرت مسئله‌ای شد که با درگذشت ایشان سبب انشقاق جامعه گردید. از حوادث مرتبط با این مسئله، غدیر خم و نقش منافقین، به‌عنوان یکی از ارکان ساختار اجتماعی جدید، در تحول معنایی غدیر بود. این پژوهش تلاش دارد با به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی نقش منافقین در خصوص مسئله غدیر خم به‌ویژه امر جانشینی پیامبر ﷺ بپردازد.

واژگان کلیدی

غدیر خم، منافقین، امامت، صحابه.

*. عضو هیئت گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد پارس‌آباد مغان و دانشجوی دکتری رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد. baradaranma@gmail.com

**. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد.

jafar.asadbeigi@gmail.com

***. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد.

dr.Rohy@gmail.com

****. دانشیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۰۶

طرح مسئله

در طول تاریخ اسلام، بحث جانشینی پیامبر ﷺ مهم‌ترین و چالشی‌ترین مسئله‌ای بوده که جامعه اسلامی را به گروه‌های متعددی تقسیم کرده است. این تقسیم‌بندی اجتماعی که در ابتدا مبنایی سیاسی و به تدریج رنگ مذهبی به خود گرفت، ریشه در حوادث تاریخی اسلام در عصر پیامبر ﷺ داشت که سبب شده بود طیف جدیدی از مسلمانان تربیت شوند که از نظر سابقه و پیشینه دینی بر دیگران اولویت داشته و باعث ایجاد نگاهی ویژه به آنان از سوی سایر مسلمانان گردد. نمونه برجسته این افراد، علی بن ابی طالب علیه السلام بود، که پس از بعثت حضرت رسول صلی الله علیه و آله خود را وقف اسلام نمود و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بارها به جایگاه و شأن و منزلت ایشان اشاره نمود.^۱

ایجاد جامعه جدیدی که پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه بنیان نهاد، مبنایی دینی داشت. قرآن این جامعه جدید را در قالب سه گروه مسلمان، کافر و مشرک تقسیم‌بندی نموده است. در دوره مدنی، با توجه به گسترش کمی اسلام، قرآن، تقسیم‌بندی اجتماعی نوینی را با همان مبنای تمایز دینی مطرح ساخت. این طرح جدید در مدینه در قالب شش گروه کافر، مشرک، اهل کتاب، منافق، مسلمان و مؤمن خود را نشان داد. یکی از اساسی‌ترین مسائل این جامعه جدید تعیین جانشینی برای زمامداری آن بود که می‌بایستی منافع تمامی جریان‌ها را تحت الشعاع خود قرار می‌داد. در این میان منافقین به واسطه حضورشان در جامعه اسلامی از اهمیت بسزائی برخوردار بودند. قرآن در آیه ۱۴ سوره بقره از ارتباط پنهانی آنان با دشمنان اسلام سخن می‌گوید. حضور این دسته در تاریخ صدر اسلام و نقش آنان در انحراف‌های متعدد، هنوز آنچنان که باید و شاید، مورد بررسی واقع نشده است. با توجه به این، مسئله جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر خم مطرح شد و به دنبال آن، درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله و ماجرای سقیفه و فراموشی مسئله غدیر یکی از موضوعاتی است که لازمه آن پاسخ به این سؤال است که نقش نفاق و منافقین در موضع‌گیری پس از غدیر خم چگونه بود؟ پژوهش حاضر تلاش دارد تا با اتکا به منابع از جمله قرآن و کتب تاریخی و حدیثی و تحقیقی، با توجه به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی آن نائل آید.

پیشینه پژوهش

در خصوص جایگاه و نقشی که نفاق و منافقین در موضع‌گیری نسبت به ماجرای غدیر ایفا کردند، پژوهش‌هایی صورت گرفته که در قالب مباحثی پیرامون مسئله جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله مطرح شده است.

۱. بخاری، صحیح بخاری، ج ۲، ص ۳۰۱ - ۲۹۹ و ج ۳، ص ۸۶.

از جمله: کتاب *جانشینی حضرت محمد (ص)* نوشته مادلونگ که جانشینی را مطابق سنت آن دوره در خاندان پیامبر (ص) دانسته است،^۱ کتاب *الغدیر* علامه امینی بیشتر جنبه دائرةالمعارفی در خصوص غدیر دارد، مقاله *سیاست یادزدائی از غدیر* نوشته محمد علی چلونگر، که در قالب موضوعات مختلف تلاش کرده تا عوامل متعددی از قبیل «نفوذ و حاکمیت قریش در تقابل با جانشینی امام علی (ع)، ایجاد رعب و وحشت در جامعه، تخریب شخصیت و کتمان فضائل امام علی (ع)، خطراتی که بنیان جامعه تازه تأسیس را تهدید می‌کرد، حضور نداشتن بیشتر شاهدان غدیر در مدینه و ...»^۲ که در به فراموشی سپردن غدیر نقش داشته‌اند مورد بررسی قرار دهد، مقاله *سقیفه بازتولید سیادت جاهلی* نوشته ناظمیان فرد که در قالب مفهوم سیادت به مسئله جانشینی و عدم توجه حاضرین سقیفه به نص پرداخته است و مقاله *سنخ‌شناسی و تبیین رفتاری صحابه پیامبر (ص)* در غزوه تبوک براساس سوره توبه نوشته ولوی و تقوی که با توجه به نگاهی آماری نشان می‌دهد که در غزوه تبوک منافقین همراه با پیامبر (ص) در حدود ۴۲/۸ درصد سپاه مذکور بودند.^۳ آثار نویسندگان دیگری از جمله توسط موتغمیری وات، هاینس هالم در تشیع، عبدالفتاح عبدالمقصود در *الخلافه و السقیفه*، حمید عنایت در کتاب *اندیشه سیاسی اسلام معاصر*، علامه مظفر و علامه عسگری در *سقیفه و نقش ائمه در احیای دین*، اندره نیومن، و کتاب *تصویر امامان شیعه در دائرةالمعارف اسلام* زیر نظر تقی‌زاده نیز به مسئله غدیر به صورت تحقیقی پرداخته‌اند.

منافقین در قرآن

سیمما و تصویری که قرآن از منافقین ارائه می‌دهد، تصویری همراه با اوصاف است که مصادیق آن را باید در تاریخ اسلام جستجو کرد. قرآن برخلاف منابع تاریخی و حدیثی که منافقین را با نام و نشان ذکر می‌کنند، به کلیات و ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی منافقین و کسانی که نفاق در دل دارند بسنده کرده است. سیره پیامبر (ص) در برخورد با سران این گروه و از جمله عبدالله بن ابی نیز نشان می‌دهد که با وجود نفاق‌های متعدد، پیامبر (ص) تا زمان مرگش وی را تحمل کرد، هرچند وجود محدودیت‌هایی از قبیل ساختارهای اجتماعی جاهلی، مقابله صریح و قاطع با این قبیل افراد را بر نمی‌تابید.^۴

۱. مادلونگ، *جانشینی حضرت محمد (ص)* پژوهشی پیرامون خلافت نخستین، ص ۶۰ - ۳۳.

۲. چلونگر، *سیاست یادزدائی از غدیر*، ص ۸۲ - ۷۴.

۳. ولوی و تقوی، *سنخ‌شناسی و تبیین رفتاری صحابه پیامبر (ص)* در غزوه تبوک براساس سوره توبه، ص ۱۲۰ - ۲۱.

۴. بخاری، *صحیح بخاری*، ج ۳، ص ۲۰۲.

قرآن در آیات متعدد، منافقین را براساس باور و دید آنها به خدا، پیامبر ﷺ، زندگی و ... چنین به تصویر می کشد:

۱. منافقین کسانی بودند که خود را مؤمن به خدا و قیامت معرفی می کردند.^۱ به این گمان که با این بیان و اقرار لفظی می توانند خدا و مؤمنین را فریب بدهند.^۲ خداوند این رفتار آنها را با عنوان «مرض» که از دید مفسران همان شک و نفاق عنوان شده، یاد می کند که پیوسته بر آن می افزاید.^۳

۲. دومین ویژگی منافقین از زبان قرآن، فساد در زمین است که از نگاه خود منافقین نوعی اصلاح گری است.^۴ منافقانی که مخاطب قرآن است، در جامعه اسلامی اقدام به اعمالی می کردند که در نظر خودشان هدف از آن اصلاح وضع موجود و سروسامان دادن به امور است. درحالی که آنان با انجام اعمالی که مرادشان اصلاح بود، به گسترش فساد و ناهنجاری کمک می کردند و قرآن به تخطئه اعمال آنان پرداخت.

۳. ویژگی دیگر این گروه، خودبرتربینی نسبت به سایر مؤمنان است. خطاب قرآن به منافقین ایمان آوردن همانند سایر مردم است، در صورتی که آنها مردم را نادان معرفی می کنند.^۵ با وجود این، هنگامی که به مسلمانان می رسیدند، خود را مؤمن نشان داده و چون به خلوتگاه و محل اجتماع رؤسای خود می رفتند، گفته خود را انکار و بیان می کردند که ما مسلمانان را دست انداخته ایم.^۶ از نظر قرآن، صفت کسانی که نفاقشان این گونه است به کسی می ماند که شعله ای در دست دارد و تنها اطراف خود را روشن می کند و خداوند آن نور را نیز از آنان گرفته و در ظلمت و تاریکی رها می کند.^۷

۱. وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَيَا أَيُّهَا النَّاسُ آمِنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ. (بقره (۲): ۸)

۲. «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ» (بقره (۲): ۹)؛ «إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ». (منافقون (۶۳): ۱)

۳. «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ * فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ» (بقره (۲): ۱۰ - ۹)؛ «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ» (منافقون (۶۳): ۳)؛ «وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا». (احزاب (۳۳): ۱۲)

۴. وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ. (بقره (۲): ۱۱)

۵. وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ. (بقره (۲): ۱۳)

۶. وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ. (بقره (۲): ۱۴)

۷. مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ. (بقره (۲): ۱۷)

۴. ویژگی دیگر منافقین، استفاده ابزاری از دین به‌خاطر حفظ اموال و در کنار آن عدم شرکت در جهاد با جان و مال به‌خاطر از دست دادن آنها می‌باشد.^۱ آنها حتی به این اکتفا نکرده، بلکه انصار را تحریض می‌کردند که از مال خود به مهاجرین انفاق نکنند چون از ثروت و اموال ایشان کاسته می‌گردد.^۲

۵. ویژگی دیگر منافقین از زبان قرآن، ایجاد دو دستگی در میان مسلمانان و نیز پخش کردن شایعات در غزوات بود.^۳ شایعه پراکنی در غزوات، به صراحت از سوی ابن‌سعد، در ذکر غزوه مریسج بیان شده است.^۴ همچنین منافقین در غزوه تبوک سعی در ایجاد اختلاف و دو دستگی میان پیامبر ﷺ و علی علیه السلام و شکاف در درون سپاه اسلام نمودند.^۵

غدیر خم

پیش از وارد شدن به نقش منافقین در غدیر خم، لازم می‌نماید که این واقعه از منظر تاریخی مورد پژوهش قرار بگیرد. در خصوص غدیر خم در تاریخ اسلام بین دو گروه سنی و شیعه اختلاف وجود دارد. نگاه اهل سنت نسبت به مسئله غدیر خم، بیشتر نگاهی زمینه‌ای^۶ است و فهمی که از ماجرای غدیر دارند مبتنی بر همین نگاه است. مطابق نظر مذکور، پیامبر ﷺ پیش از حجة‌الوداع، علی علیه السلام را به جانب یمن فرستاد و خود عازم حج شد. علی علیه السلام در مسیر بازگشت از یمن که وجوه و اموال زکات را با خود به همراه داشت، به‌منظور همراهی با پیامبر ﷺ در حج، کاروان را در منطقه‌ای مستقر کرد و خود عازم حج شد.^۷ پس از بازگشت و مشاهده تقسیم اموال در میان سپاه، با جدیت به استرداد

۱. اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. (منافقون (۶۳): ۲)
۲. هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ. (منافقون (۶۳): ۷)
۳. «إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (انفال (۸): ۴۹)؛ «يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (منافقون (۶۳): ۸)؛ «وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا * وَلَوْ دَخَلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثَمْرٌ سُلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا وَمَا تَلَبَّتْ بِهَا إِلَّا يَسِيرًا» (احزاب (۳۳): ۱۴ - ۱۳)؛ «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا». (احزاب (۳۳): ۶۰)

۴. ابن‌سعد، طبقات الکبری، ج ۲، ص ۶۵.

۵. طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۶ - ۱۲۳۱.

6. Contextual.

۷. ابن‌هشام، السيرة النبویه، ج ۲، الجزء الرابع، ص ۱۸۹ - ۹۱؛ مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۱، ص ۶۴۵.

اموال و تعیین وضع آن از سوی پیامبر ﷺ پرداخت. این واقعه سبب کدورت همراهان علی ﷺ و بدگویی از ایشان در نزد پیامبر ﷺ شد. این نگاه، با توجه به این زمینه، معتقد است که مسئله غدیر و اشاره به «مولی» در بیان پیامبر ﷺ، ناظر به معنای دوستی و مودت علی ﷺ می‌باشد.^۱

در مقابل، نگاه شیعه، نگاهی متنی^۲ است که به نفس ماجرا و آنچه که پیامبر ﷺ در ذهن داشته توجه کرده و سعی شده تا از این نظر به فهم واقعه غدیر توجه شود. حاصل نگاه اخیر نسبت به مسئله غدیر، باور به این مهم است که پیامبر ﷺ در ماجرای مذکور به امامت حضرت علی ﷺ اشاره داشته و غدیر نصی صریح بر این امر است.^۳

منافقین در مدینه و غدیر خم

چنان‌که از منابع تاریخی مشخص می‌شود، عبدالله بن ابی سلول سردسته منافقین مدینه پس از مهاجرت پیامبر ﷺ به مدینه بود. از کارشکنی‌های این گروه در مدینه اخبار فراوانی گزارش شده است. از جمله: جعل اخبار، شایعه پراکنی و تضعیف روحیه مسلمانان در جنگ، خودداری از حضور در غزوات و حتی بازداشتن سست ایمانان از غزوات.^۴

سابقه تاریخی ظهور این جریان اعتقادی به سال‌های نخستین حضور پیامبر ﷺ در مدینه باز می‌گردد. قرآن از این جریان در آغاز با وصف اعمالشان سخن می‌گوید. این جریان در فاصله سال‌های چهارم تا هفتم هجری که بر تعدادشان افزوده شد، آشکارا در برابر مؤمنان موضع‌گیری کرده و تلاش داشتند تا مسلمانان را به سوی خود جذب کنند.^۵ از همین ایام به بعد است که لفظ منافق کاربرد قرآنی پیدا کرده است. توصیف‌های نسبتاً گسترده منافقین در سراسر سوره‌های مدنی، حاکی از گستردگی کمی آنان و نشانه قدرت این جریان در نفوذ اجتماعی و اثرگذاری فکری در جامعه مدینه است.^۶ از جمله در غزوه مریس، عبدالله بن ابی در میان انصار گفت: «چون به مدینه بازگردند، عزیزان مدینه، یعنی انصار، ذلیلان این شهر، یعنی مهاجرین را از آنجا بیرون خواهند کرد.»^۷ در غزوه

۱. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، الجزء الرابع، ص ۱۹۰.

2. Textual.

۳. مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۱۲ - ۹.

۴. همان.

۵. احزاب (۳۳): ۱۲ - ۱۱.

۶. زرگری‌نژاد، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، ص ۴۷۴.

۷. بخاری، صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۰۲؛ ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۲، ص ۶۵.

تبوک نیز تعدادی از منافقین از پیامبر ﷺ اجازه عدم همراهی را بدون عذر موجهی خواستند. تعداد این منافقین در حدود هشتاد و چند نفر بود که به دنبال آن برخی از اعراب نیز از همراهی با لشکر تبوک خودداری کردند. در همین غزوه سردهسته منافقان به همراه بسیاری از لشگریان از میانه راه بازگشت.^۱ براساس روایت‌های طبری تعداد منافقان از مسلمانان چندان کمتر نبوده است، چنان‌که در خصوص غزوه تبوک آورده است: «و چون پیامبر ﷺ بر ثبئة‌الوداع اردو زد، عبدالله بن ابی‌پایین تر از آنجا اردو زد و چنان‌که گویند، اردوی وی کوچکتر از اردوی پیامبر ﷺ نبود».^۲

تلاش‌های منافقان در ایام پیش از غدیر در چند حوزه خود را نشان داد: الف) ایجاد بی‌ثباتی در هم‌بستگی اجتماعی و اعتقادی جامعه مدینه؛ ب) تلاش برای همراهی عملی با مشرکین و یهودیان؛^۳ ج) کوشش برای تشدید برخورد میان مهاجرین و انصار؛ د) تلاش برای ممانعت از مساعدت‌های مالی مسلمانان عادی به مؤمنان، نیازمندان و دولت مدینه.^۴

اما متعاقب حجة‌الوداع و غدیر خم نقش جریان نفاق در ابعاد وسیع‌تری خود را نشان داد. حضرت محمد ﷺ به دستور خدا بر آن شد تا آنچه را در طی سال‌های گذشته تلویحاً و تصریحاً گفته بود، بار دیگر آشکارا بیان کند. این پیام در غدیر خم در هجدهم ذی‌الحجه سال دهم هجرت و در میان اجتماع عظیم حاجیان پیش از جدا شدن آنان از یکدیگر واقع شد. جمله تاریخی این واقعه «فمن کنت مولاه فهذا علی مولاه. اللهم وال من والاه و عاد من عاداه. والنصر من نصره و اخذل من خذله»^۵ چنان روشن و مبرهن بود که پس از آن مسلمانان نزد علی ﷺ آمدند و امامت و وصایت وی را تبریک گفتند.^۶

۱. همان، ص ۱۶۵ - ۶۶.

۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۲۳۱؛ ابن‌هشام، السیرة النبویه، الجزء الرابع، ص ۱۲۸ - ۳۶؛ ولوی و تقوی، سنج‌شناسی و تبیین رفتاری صحابه پیامبر ﷺ در غزوه تبوک براساس سوره توبه، ص ۱۲۰ - ۲۱. منافقان دو دسته بودند: یک دسته کسانی بودند که تظاهر به همراهی کرده و در غزوه تبوک به شکل‌های مختلف در تلاش برای ضربه‌زدن به مسلمانان برآمدند. دسته دوم، در مدینه مانده و با نقشه‌های خراب‌کارانه و توطئه‌آمیز چون ساخت مسجد ضرار به تقابل عملی با اسلام پرداختند. (همان، ص ۱۲۳ به نقل از: طبرسی، مجمع‌البیان، الجزء الخامس، ص ۶۵)

۳. ابن‌سعد، طبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۸.

۴. سوره منافقون؛ زرگری نژاد، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، ص ۴۷۴.

۵. متن کامل خطبه غدیر: خطبه پیامبر اکرم ﷺ در غدیر خم، ۱۳۸۳؛ بلاذری، انساب‌الاشراف ج ۱، ص ۲۸۹؛ ابن‌هشام در خصوص این واقعه تنها به ذکر این فرموده پیامبر ﷺ در حق علی ﷺ بسنده کرده است: «ایها الناس، لا تشکوا علیاً، فوالله إنه أحسن فی ذات الله. أو فی سبیل الله، من أن یشکی». (ابن‌هشام، السیرة النبویه، الجزء الرابع، ص ۱۹۰)

۶. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۵۰۸؛ سلیم بن قیس، اسرار آل محمد ﷺ، ص ۱۴۷.

نقش جریان منافقین در تحول معنایی غدیر خم و تغییر رویکرد صحابه

هفتاد روز پس از واقعه غدیر خم، پیامبر خدا ﷺ درگذشت. تعداد حاضرین در اجتماع آن روز را نزدیک به صدهزار نفر دانسته‌اند.^۱ اگرچه برخی منابع تنها به ذکر چگونگی واقعه، آن هم به شکلی موجز و مختصر پرداخته‌اند.^۲ با وجود این اجتماع عظیم و برگزیده شدن جانشین، بلافاصله پس از درگذشت حضرت رسول ﷺ همان کسانی که در غدیر، به علی ﷺ تبریک و تهنیت گفتند، به ناگاه از آنچه واقع شده بود، روی برتافتند و برای جانشینی حضرت رسول ﷺ در سقیفه اجتماع کردند. چه عواملی سبب شد تا به یکباره ماجرای غدیر به فراموشی سپرده شود؟ و نقش جریان نفاق در این انحراف تاریخی چه بود؟

برای بررسی این امر لازم است دسته‌بندی‌های سیاسی که در تغییر رویکرد صحابه از غدیر نقش داشتند، مشخص شود. جامعه مدینه و حکومت اسلامی پیامبر ﷺ پس از اعلام رسمی جانشینی علی ﷺ در چند گروه خلاصه می‌شود. الف) کسانی که به ولایت و امامت علی ﷺ و اعلان رسمی پیامبر ﷺ گردن نهاده و این گروه همان اصحابی هستند که پس از درگذشت پیامبر ﷺ برای خنثی‌سازی اقدامات جریان‌های مخالف جانشینی علی ﷺ در اطراف وی اجتماع کردند. این افراد شامل عمار، مقداد، سلمان، ابوذر، عباد بن صامت، حذیفه بن یمان، ابوالهیثم بن تیهان و براء بن عازب بودند.^۳ در کنار این جریان برخی از هاشمیان نیز در اطراف علی ﷺ حلقه یاران علی را شکل داده بودند که در خانه علی ﷺ اجتماع کرده بودند.^۴ اختلاف بر سر جانشینی پیامبر ﷺ سبب شد تا هیچ کس از بنی‌هاشم قبل از وفات فاطمه ﷺ با ابوبکر بیعت نکند.^۵

گروه دیگری که در تغییر رویکرد صحابه پس از غدیر خم نقش داشت، همراهی بخشی از مهاجرین مکه در سقیفه بود.^۶ این جریان - با این استدلال که ترس از فتنه باعث شد تا جانشینی و حق علی ﷺ را در این مورد کنار بگذارند - توانستند گزینه مورد نظر خود را به خلافت بگمارند.

۱. امینی، *الغدیر فی الکتاب و السنه و الأدب*، ج ۱، ص ۲۷.

۲. ابن هشام، *السیره النبویه*، ج ۲، الجزء الرابع، ص ۱۹۰.

۳. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۱، ص ۵۲۴؛ مفید، *الارشاد*، ج ۱، ص ۹؛ جوهری، *السقیفه و فدک*، ص ۴۶؛ عبدالمقصود، *السقیفه و الخلافه*، ص ۲۸۱.

۴. طبری، *تاریخ طبری*، ج ۴، ص ۱۳۳۵.

۵. مسعودی، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ج ۱، ص ۶۵۷.

۶. مستوفی هروی، ترجمه کتاب *الفتوح*؛ عبدالمقصود، *افضلیت علی ﷺ*.

علی علیه السلام خطاب به ابوبکر - پس از انتخاب شدنش فرمود: «آیا در این امر برای ما حقی نیست؟» و ابوبکر در جواب گفت: «بله ولی ترس از فتنه و آشفتگی کار، به این امر اقدام کردم.»^۱ در کنار تلاش‌های این گروه، حضور قبایل در اطراف مدینه نیز در پیشبرد کار مهاجرین در سقیفه بدون تأثیر نبود. مهم‌ترین این قبایل، قبیله اسلم بود که در بحبوحه بیعت با ابوبکر، وارد مدینه شدند و در حمایت از ابوبکر پیشقدم شدند.^۲

گروه دیگری که در تغییر رویکرد صحابه نقش داشت، انصار - در قالب دو گروه اوس و خزرج - بودند. انصار که بلافاصله پس از درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه اجتماع کردند، جانشینی حضرت را به شور گذاشتند و پیش از رسیدن مهاجرین به جلسه، بر جانشینی انصار بحث داشتند و حتی با سعد بن عبادہ بیعت کرده بودند،^۳ در این تغییر نقش اساسی داشتند. در پایان نیز، هنگامی که دریافتند که خلیفه از مهاجرین خواهد بود، خواستار بیعت با علی بن ابی طالب علیه السلام شدند که بیعت سریع عمر بن خطاب با ابوبکر بن ابی‌قحافه جهت اتمام مشاجرات، به مسئله پایان داد.^۴

بخش دیگری از مسلمانان به‌ویژه قریش، پس از فتح مکه تلاش داشتند تا با ایجاد فضایی متشتت، به اهداف خود دست پیدا کنند. از جمله ابوسفیان به حضرت علی علیه السلام پیشنهاد کمک نظامی داد که با دستور وی مدینه را از نیروهای نظامی پر کند.^۵ در واقع، هدف ابوسفیان، نه حمایت از جانشینی علی علیه السلام بلکه دستیابی به اهداف قدرت‌طلبانه خود بود، چنان‌که امام علیه السلام خطاب به ابوسفیان فرمود: «ابوسفیان! مدت‌های دراز با اسلام و مسلمانان دشمنی کردی و ضرری نزدی ... و از این کار جز فتنه منظوری نداری، بخدا برای اسلام جز بدی نمی‌خواهی، ما را به نصیحت تو حاجت نیست».^۶

همراهان علی علیه السلام و بنی‌هاشم
مهاجرین و اتحاد سه‌گانه
انصار (اوس و خزرج)
اشراف قریش
منافقین
دسته بندی‌های سیاسی پس از غدیر

۱. بلاذری، *انساب الأشراف*، ج ۱، ص ۲۵۱؛ مسعودی، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ج ۱، ص ۶۵۷.

۲. مفید، *کتاب الجمل*، ج ۱، ص ۶۶.

۳. طبری، *تاریخ طبری*، ج ۴، ص ۱۳۲۸.

۴. بلعمی، *تاریخنامه طبری*، ج ۱، ص ۳۴۰ - ۳۳۹.

۵. طبری، *تاریخ طبری*، ج ۴، ص ۱۳۳۶.

۶ همان.

منافقین نیز گروه دیگری بودند که اگرچه در میان خود شخصیت قابل اعتنایی نداشتند، ولی با شرکت فعال در حوادث پس از غدیر، در تغییر رویکرد صحابه مهم‌ترین نقش را ایفا کردند. این جریان نقش خود را در این خصوص در چند مورد انجام داد:

قدرت‌طلبی به معنای سیاسی آن: قدرت مهم‌ترین عاملی بود که منافقین و گروه‌های دیگر در تلاش برای رسیدن به آن از غدیر گذشتند و به آنچه که واقع شد، روی آوردند. پس از فتح مکه و همراهی گروه‌های نفاق، اشراف قریش - برای نزدیکی بیشتر در زمینه حضور فعال در صحنه اجتماعی دولت مدینه که در حال توسعه و گسترش بود^۱ - تلاش کردند تا موقعیت خود را در مقابل گروه مؤمنین و کسانی که قرآن با عنوان «السابقون الأولون» نام می‌برد، تقویت و تحکیم کنند. بنابراین، اشراف قریش هم خود را برای مانع تراشی در به فراموشی سپردن غدیر انجام دادند، زیرا می‌دانستند که پس از درگذشت پیامبر ﷺ و جانشینی کسی مانند علی علیه السلام، باید از همان ابتدا بتوانند از گروهی حمایت کنند که آداب و سنن و امتیازات اشراف قبیله‌ای را باور داشته باشد تا در گردونه نوین قدرت، موقعیت آنان حفظ شود. اگر تلاش‌های گسترده اشراف قریش برای فشار آوردن بر سران منافقین نظیر عبدالله بن ابی در سال‌های اولیه حضور پیامبر ﷺ در مدینه،^۲ با جایگاه جدید آنان پس از اسلام آوردن و در زمره طلقاء قرار گرفتن تطبیق داده شود، مشخص می‌شود که آنها برای کسب قدرت حتی تلاش داشتند تا از علی علیه السلام نیز استفاده کنند. اما امام علیه السلام که از قدرت‌طلبی آنان اطلاع داشت، از حمایت آنان به منظور قدرت‌یافتن و نشستن بر جایگاه خلافت خودداری نمود.^۳ سران قریش می‌دانستند که حضور خاندان هاشمی و در رأس آن علی علیه السلام در ساخت قدرت سیاسی اسلام به معنای حذف کامل آنان و تداوم اجرای عدالت و مساوات در جامعه اسلامی خواهد بود. بنابراین افرادی از قریش همچون سهیل بن عمرو، خالد بن ولید، عکرمه بن ابی جهل و ... در حمایت از ابوبکر و استقرار خلافت وی، تلاش بسیاری صورت دادند.^۴ این تلاش‌ها چنان بود که مورخینی نظیر زبیر بن بکّار، خالد را به‌عنوان شیعه ابوبکر معرفی کرده‌اند.^۵

منافقین در سال‌های پایانی عمر پیامبر ﷺ تلاش کردند تا طرح و نقشه قتل پیامبر ﷺ را که از مدت‌ها پیش در سر داشتند، عملی کنند. همچنین، ماجرای مسجد ضرار که بنیان آن بر نفاق و

۱. سلیم بن قیس، اسرار آل محمد علیهم السلام، ص ۱۳۳.

۲. ابی داوود، سنن ابی داوود، سیره النبی؛ شبلی نعمانی، فروغ جاویدان (سیره النبی)، ج ۱، ص ۵۱.

۳. مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۱، ص ۵۶؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۳۳۶.

۴. منتظرالقائم، تاریخ اسلام (تا سال چهارم هجری)، ص ۲۶۶.

۵. زبیر بن بکّار، اخبار الموفقیات، ص ۵۸۱.

ایجاد و تفرقه و شکاف میان مسلمین قرار داشت،^۱ از دیگر اقدامات منافقین بود. این اقدام منافقین در راستای حذف بنیان‌هایی بود که در ابتدای حضور اسلام در مدینه استقرار یافته بود. اگر این اقدام منافقین را با تلاش آنان برای نابودی مسلمانان و گفته ابوعامر انصاری — از کسانی که به آئین مسیحیت گرویده بود — در یک راستا قرار دهیم،^۲ می‌توان دریافت که در زمینه جانشینی علی (ع) نیز — که در غدیر خم در میان اجتماع عظیم حجاج مطرح شد — بی‌تفاوت ننشسته و اقداماتی را در راستای حذف پایه‌های حکومت پیامبر (ص) انجام دادند. اگرچه منابع اولیه از همراهی منافقین با ماجرای سقیفه سخنی نگفته‌اند، ولی برگزاری آن نشان از عزم کسانی داشت که از وصایای پیامبر (ص) نگران بودند.

سومین عاملی که باعث فراموشی و یا غفلت از غدیر و تغییر رویکرد صحابه بود، تشکیل اجتماع سقیفه بلافاصله پس از درگذشت پیامبر (ص) و پیش از دفن آن حضرت (ص) بود.^۳ عوامل متعددی باعث تشکیل شورا توسط انصار در سقیفه شد. انصار از چیرگی برخی از اصحاب بر ساختار قدرت هراسان بودند و از طرح و نقشه قبلی برای جانشینی پیامبر (ص) آگاه شده بودند. بنابراین، برای خنثی‌سازی آن در سقیفه، اجتماع عظیمی را تشکیل دادند و خواهان انتخاب جانشینی پیامبر (ص) از میان خود شدند. شواهد متعددی حکایت از آن دارد که برای جانشینی خلیفه اول، نقشه و طرح قبلی وجود داشته است. اتحاد سه سردمدار متحد، حضور قبیله اسلم در مدینه، آگاه کردن مهاجران از سقیفه، آگاهی انصار از طرح قریش، اعتراف خلیفه دوم، ایجاد جو وحشت و خشونت علیه مخالفان، جلوگیری از اعزام سپاه اسامه، جلوگیری از نگارش نامه، انکار رحلت رسول خدا (ص)، حمله به خانه علی (ع)، غصب فدک، حمایت گسترده بزرگان قریش از ابوبکر بن ابی قحافه و ...^۴ کارها و اقداماتی بود که انصار را نگران کرده و در سقیفه تلاش کردند تا مانع این کار شوند.

چهارمین عامل آشفتگی، گسترش شایعات، پس از درگذشت پیامبر (ص) بود در آن ایام عمر بن خطاب، خطاب به علی بن ابی طالب (ع) گفت: «منافقان همی گویند که پیغمبر بمرد و پیغمبر نمرده است و پیغمبر زی خدای عزوجل شده است و باز آید.»^۵ این عامل در راستای ایجاد فضای بحرانی

۱. توبه (۹): ۱۳.

۲. شبلی نعمانی، *فروغ جاویدان (سیره النبی)*، ج ۱، ص ۵۶۴.

۳. بلعمی، *تاریخنامه طبری*، ج ۱، ص ۳۳۲.

۴. منتظرالقائم، *تاریخ اسلام (تا سال چهارم هجری)*، ص ۲۶۳ - ۲۶۱؛ مادلونگ، *جانشینی حضرت محمد (ص) پژوهشی*

پیرامون خلافت نخستین، ص ۳۳ - ۲۸.

۵. بلعمی، *تاریخنامه طبری*، ج ۱، ص ۳۳۰.

برای سرپوش گذاشتن به مسئله غدیر نیز بود. نقش منافقین در گسترش شایعاتی از این قبیل و واکنش کسانی نسبت به آن در شرایطی که جامعه نیازمند کاهش تنش‌ها بود، باعث شده بود تا رویکرد صحابه نسبت به مسئله غدیر کم‌رنگ و حتی در مواردی از یادها برود.

منافقین در کنار سایر گروه‌هایی که تلاش داشتند تا پس از پیامبر ﷺ نقش کلیدی را در رهبری داشته باشند، به ایجاد فضای پر از رعب و وحشت در جامعه دامن زدند. ایجاد یک سد در برابر مخالفت‌های احتمالی از سوی حامیان علی ﷺ به وسیله قبایل مطیع و همراه، مهم‌ترین عامل در راه فراموشی غدیر بود. در مدینه بخش‌هایی از جامعه که در حمایت از علی ﷺ مردّد بودند، با اقداماتی نظیر حضور قبایل اطراف مدینه، به بیعت خلیفه جدید تن داده و علی ﷺ را به فراموشی سپردند.^۱

اقدام دیگری که منافقین در جهت پیشبرد اهداف خود انجام دادند، تخریب شخصیت و کتمان فضائل علی ﷺ بود.^۲ این تخریب شخصیتی، پیش از وفات پیامبر ﷺ و درست در ایامی که حضرت عازم غزوه تبوک بود، رخ نمایاند و پس از غدیر نیز ادامه یافت. این مسأله حاکی از آن است که منافقین تلاش پیوسته‌ای داشتند تا به آنچه در غدیر انجام شده، تردید روا دارند و حتی به جایگاه والای علی ﷺ نزد پیامبر شبهه وارد کنند.^۳ هنگامی که پیامبر ﷺ از مدینه عازم غزوه تبوک شد، علی ﷺ را سرپرست اهل بیت خود در مدینه نمود. منافقان که به رهبری عبدالله بن ابی‌لشکر پیامبر ﷺ بودند، پس از یک منزل بازگشته و تلاش داشتند تا میان پیامبر ﷺ و علی ﷺ اختلاف بیندازند. آنها به دروغ گفتند: پیامبر ﷺ چون از علی ﷺ ناراحت است وی را با خود به جنگ نبرده است. این سخن منافقان بر علی ﷺ گران آمد و روز بعد جامه جنگ پوشیده و عازم اردوگاه پیامبر ﷺ شد.^۴ مطابق همین روایت، تعداد منافقانی که به همراه پیامبر ﷺ عازم تبوک شده بودند و اردوگاه خود را داشتند، به اندازه سپاهیان اردوگاه پیامبر ﷺ بودند. این منافقان با بازگشت خود زمینه ایجاد شکاف در لشکر پیامبر ﷺ را نیز مهیا کردند. تأثیر حرکت‌های منافقین در تغییر موضع و تصمیم مسلمانان در چنین مواردی کاملاً آشکار بود.^۵

از دیگر اقدامات منافقین در راستای حذف جانشینی علی ﷺ و وصیت غدیر، ادعای فسخ فرمان

۱. چلونگر، سیاست یادزدائی از غدیر، ص ۷۶.

۲. همان.

۳. ابن‌هشام، السیره النبویه، الجزء الرابع، ص ۱۲۸.

۴. بلعمی، تاریخنامه طبری، ج ۱، ص ۲۸۵.

۵. طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ۱۲۳۷ - ۱۲۳۴.

پیامبر ﷺ بود.^۱ از امام باقر ﷺ روایت شده که فرمود: «پس از رسول خدا ﷺ علیه علی ﷺ اتحاد کردند. علی ﷺ هم در مقابل آنان با آنچه پیامبر ﷺ درباره او فرموده بود و آنچه مردم از پیامبر ﷺ شنیده بودند، استدلال کرد. آنها نیز کلام علی ﷺ را تصدیق کردند و گفتند پیامبر ﷺ اینها را گفته ولی آن را فسخ کرده و دنیا را برای ما نخواسته است. خداوند برای ما پیامبری و امامت را جمع نمی‌کند. چهار نفر هم بر این کلام شهادت دادند که عمر، ابوعبیده، معاذ بن جبل و سالم - غلام ابی‌حذیفه - بودند. بدین ترتیب قضیه را برای عامه مردم مشتبه کردند و مردم آنان را تصدیق کردند و با این روش، مردم را به عقب برگرداندند و امامت را از جایگاه اصلی‌اش که خدا قرار داده بود خارج کردند.»^۲ این امر که پیامبر ﷺ گفته خود در غدیر را فسخ کرده، با عمل سقیفه و تعیین جانشینی ابوبکر در جامعه آن روز طرفدار یافت و کسانی که در دل نسبت به جانشینی علی ﷺ شبهه داشتند به‌سوی بیعت با خلیفه جدید رفتند.

نتیجه

چنان‌که از منابع مشخص است، عامل اساسی در تغییر رویکرد صحابه نسبت به مسئله غدیر قدرت و دستیابی به آن، مهم‌ترین عامل در این امر بوده است. تقسیم‌بندی جریان‌های موجود در مدینه و مکه نشان می‌دهد که در میان جریان مهاجرین و اتحاد سه‌گانه: انصار، قبایل موجود در اطراف مدینه، طلقاء و اشراف قریش، منافقین، بنی‌هاشم و اجتماع بنی‌بیاضه، تنها جریان اخیر در حمایت از امامت و خلافت علی ﷺ در مورد مسئله غدیر تا اندازه زیادی ثابت قدم بود. حتی جریان اخیر نیز به تدریج دچار ریزش شد و براساس منابع، پس از درگذشت فاطمه ﷺ امام حامیان چندانی در اطراف خود نداشت که بتواند با تکیه بر آنان پس از درگذشت ابوبکر، بر سریر خلافت بنشیند. تمامی جریان‌های مورد اشاره، به جز بنی‌هاشم و اجتماع بنی‌بیاضه، که در پی قدرت به معنای سیاسی آن بودند با تحت‌الشعاع قرار گرفتن زیر قدرت جریان اتحاد سه‌گانه، حاکمیت جدید را پذیرفتند و آنچه در غدیر واقع شده بود را به فراموشی سپردند. در این میان منافقین که از همان ابتدا تلاش داشتند تا در ساخت قدرت نیز نفوذ پیدا کنند، پس از غدیر اقداماتی صورت دادند که از مهم‌ترین آنها، ایجاد تردید در رابطه پیامبر ﷺ و علی ﷺ بود. نقش منافقین در چنین مواردی چنان تأثیرگذار بود که برخی از مسلمانان را نیز در خصوص همراهی با پیامبر ﷺ در غزوات در شک و تردید قرار می‌داد.

۱. چلونگر، سیاست یادزدایی از غدیر، ص ۷۷.

۲. سلیم بن قیس، اسرار آل محمد ﷺ، ص ۲۲۳ - ۲۲۲.

در کنار فعالیت و نقش منافقین در تغییر رویکرد صحابه، تمایلات قدرت طلبانه نیز به این امر کمک کرد و باعث شد تا حتی برخی از حامیان امام علیه السلام نیز به تدریج به خلافت ابوبکر گردن نهند.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن سعد، *طبقات الکبری*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ج ۱، ۱۴۱۰ ق.
۳. ابن هشام، *سیره النبویه*، حققها و ضبطها و شرحها مصطفی السقا، ابراهیم الأیاری و عبدالحفیظ شلبی، الجزء الرابع، دارالخیر، الطبعة الخامسة، ۱۴۱۴ ق / ۲۰۰۴ م.
۴. امینی نجفی، عبدالحسین احمد، *الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب*، الجزء الاول، بیروت - لبنان، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۴ م.
۵. بخاری، ابی عبدالله محمد بن اسماعیل، *صحیح بخاری (بحاشیه السندی)*، الجزء الاول، الثانی، الثالث، بیروت - لبنان، الناشر دار المعرفه، ۱۹۹۰.
۶. بلاذری، *انساب الاشراف*، تحقیق احسان عباس، مصدر الکتاب: موقع الوراق، الکتبه الشامله نسخه ۳.۲۳.
۷. بلعمی، *تاریخنامه طبری گرداینده منسوب به بلعمی*، ج ۱، تصحیح و تحشیه محمد روشن، تهران، نشر نو، ۱۳۶۶.
۸. جوهری، ابوبکر احمد بن عبدالعزیز، *السقیفه و فدک*، روايه عزالدین بن ابی الحدید، تحقیق محمد هادی امینی، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، بی تا.
۹. چلونگر، محمدعلی، «سیاست یادزدایی از غدیر»، *مشکوة*، شماره ۸۹، ص ۸۴ - ۷۴، زمستان ۱۳۸۴.
۱۰. خطبه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در غدیر خم، شرکت فولاد مبارکه، ج ۳، ۱۳۸۳.
۱۱. زبیر بن بکار، *الأخبار الموفقیات*، تحقیق سامی مکی العانی، بغداد، مطبعه العانی، بی تا.
۱۲. زرگری نژاد، غلامحسین، *تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)*، تهران، سمت، ۱۳۸۵.
۱۳. سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس *(اسرار آل محمد علیهم السلام)*، ترجمه اسماعیل انصاری، قم، علامه، ۱۴۱۳ ق.
۱۴. شبلی نعمانی و سید سلیمان ندوی، *فروغ جاویدان (سیره النبی صلی الله علیه و آله)*، ج ۱، ترجمه عبدالمجید مرداوهی خاشی، انتشارات فاروق اعظم، ج ۱، ۱۳۸۱.
۱۵. طبرسی، *مجمع البیان*، الجزء الخامس، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق.

۱۶. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری یا «تاریخ الرسل و الملوک»*، ج ۴، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، نشر اساطیر، چ ۵، ۱۳۷۵.
۱۷. عبدالمقصود، عبدالفتاح، *افضلیت علی (علیه السلام)*، بی‌جا، بی‌تا.
۱۸. _____، *السقیفه و الخلافه*، ترجمه سید حسن افتخارزاده، تهران، نشر آفاق، ۱۳۷۶.
۱۹. مادلونگ، ویلفرد، *جانشینی حضرت (علیه السلام) پژوهشی پیرامون خلافت نخستین*، ترجمه احمد نمایی، جواد قاسمی، محمد جواد مهدوی و حیدررضا ضابط، ویرایش و توضیحات احمد نمایی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چ ۴، ۱۳۸۸.
۲۰. مسعودی، علی بن حسین، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ج ۱، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۷، ۱۳۸۲.
۲۱. مفید، ابی عبد الله محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادی، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، تحقیق مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لتحقيق التراث دار المفید طباعة، مدینه قم، ۱۴۱۳ ق.
۲۲. منتظرالقائم، اصغر، *تاریخ اسلام (تا سال چهارم هجری)*، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان و سمت، چ ۳، ۱۳۸۶.
۲۳. ناظمیان فرد، علی، *سقیفه؛ بازتولید سیادت جاهلی، پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، دوره جدید، س سوم، ش ۴ (پیاپی ۱۲)، زمستان ۱۳۹۰، ص ۹۷-۱۱۲.
۲۴. ولوی، علی محمد و هدیه تقوی، «سنخ‌شناسی و تبیین رفتاری صحابه پیامبر (علیه السلام) در غزوه تبوک براساس سوره توبه»، *پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی*، س ۴۵، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ص ۱۲۹-۱۱۳.
۲۵. یعقوبی، ابن‌واضح احمد بن اسحاق، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۹، ۱۳۸۲.

